

اما آنچه فرض است که آن علم عبادت است آنقدر با مورد  
 که اگر طاعتی و عبادتی که کند از سردانش کند تا فریاد برین او  
 بشود و در پنج خود صایح نکرده باشد **پیر** در آن علم  
 علم آردین اگر هم الله تعالی فی درجات الجنان که در آن سعی  
 کرده اند تا منقولات و معقولات جمع کرده اند از علم  
 کلام و منطق و اصول و نحو و صرف و از شریکها  
 اینج مقدمات و از مهمات علوم که بود حاصل کنند تا  
 بتمام درس و فتوی رسانند و آن کاری بغایت بزرگ است  
 و آن پایه هر کسی باشد **مصرع** این کار دولت است کنونی اگر  
**پلت** در هر هزار سال بیوج دلی رسد از آسمان فضل بیسان ستاره  
**وزرگان دین** چنین گفته که صد هزار تظنه که بر زمین  
 یکی قرار گیرد و بظهور آید و صد هزار چون من تو که  
 بظهور آید یکی از اهل ایمان باشد و معرفت ایمان شناسد  
 و از صد هزار یکی را داعیه طالب علمی پیدا کند و از صد  
 طالب علم یکی بتمام درس و فتوی رسد **پس** تا قدم علم از کوار

بدانند

بدانند که چه سعی برده اند و حق سبحانه تعالی فرمود که  
**انما یخشی الله من عباده العلماء** یعنی هر چند که عالم  
 تر باشد عارف تر باشد و هر چند که عارف تر تر سر ایشان  
 بیشتر و قوی تر از خضره زیاده تر و جنان قوی می یابند که  
 یا الله سبحانه و تعالی بدلیل و برهان سخن میگویند و از  
 شرف ایشان حجت ایشان قبول می فرماید **در نقل** درست است  
 که یکی از علماء بغداد بود و بسی صاحب جاه بوده و سخن پر  
 شده بود **پس** ازین عالم برفت **پس** او را در آن خضره حاضر کردند  
 و حق سبحانه تعالی با وی خطاب فرمود که ای پیر بزرگوار چه  
 آورده **پس** آن عالم **پس** ازین خطاب با هیبت خود راستی  
 دوزخ دید و این از جهه مجالسه با مردم و حجاب بود  
 که در حضرتی جنان با خطابی چنین **پس** در آن حاله نور علم  
 او را یا و شد و گفت **یارب** روایت می کنم از استاد  
 خود که او روایت میکند از انتمشی و او روایت میکند  
 از ذهری و او روایت میکند از عایشه و او روایت میکند

مخبر